

نقش فقر اقتصادی در مشارکت اجتماعی، سیاسی و آسیب‌های اجتماعی

(مورد مطالعه: محلات محروم شهر جوانرود)

امید رضائی*، وکیل احمدی**، علی مرادی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش فقر اقتصادی در مشارکت اجتماعی و سیاسی و آسیب‌های اجتماعی در محلات محروم شهر جوانرود بوده است. روش پژوهش کمی با استفاده از پیمایش، جامعه آماری ۱۶۴۰۴ نفر و حجم نمونه ۳۷۶ نفر انتخاب شده است. پرسشنامه شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای تکمیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد کمتر از ۲۰ درصد از پاسخگویان در خانه ماشین لباسشویی، کامپیوتر، کتابخانه شخصی و مبلان خانه داشته‌اند. بین ۲۰ تا ۴۰ درصد پاسخگویان در خانواده خود حداقل با یکی از آسیب‌های اجتماعی درگیر بوده‌اند. مشارکت اجتماعی و سیاسی کمتر از متوسط بوده است. تحلیل رگرسیون نشان داد که ضریب تأثیر فقر اقتصادی بر مشارکت اجتماعی ۰/۱۳ و مشارکت سیاسی ۰/۲۲- بوده است یعنی هر چه افراد فقر اقتصادی بیشتری داشته‌اند، مشارکت اجتماعی کمتر و مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. نتیجه تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد پاسخگویانی که فقر کمتری داشته‌اند احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی نزاع و درگیری، فرار از خانه، طلاق و اعتیاد در خانواده آن‌ها کمتر بوده است و برعکس احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی خشونت خانگی، ترک تحصیل، کودک کار و سابقه زندان در آن‌ها بیشتر بوده است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که فقر موجود در جامعه مورد مطالعه همچنان که تحصیلات، درآمد و شغل آنان نیز نشان داده است، فقری قابلیت‌ی و ساختاری است که این فقر در دسترسی به امکانات معیشتی پایدار خود را نشان داده است و به شکل‌گیری نوعی از آسیب‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سیاسی در محلات محروم شهر جوانرود منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، جوانرود، مشارکت اجتماعی، فقر اقتصادی، محلات

محروم، مشارکت سیاسی

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. a91079774@gmail.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول). v.ahmadi@razi.ac.ir

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران.

moradi.pop@gmail.com

طرح مسئله

فقر معضلی است که تمامی جوامع بشری با آن روبرو هستند. فقر همان وضعیتی است که فرد در آن با فقدان منابع مالی و پولی مواجه است. افرادی که با فقر مواجه هستند با وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاصی مواجه می‌شوند که متفاوت از افراد طبقات اقتصادی بالاتر جامعه است به عبارت دیگر فقر در استراتژی و کنش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی افراد نقش مهمی دارد. سطح بالای نابرابری و فقر، سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌کند، بدین صورت که نابرابری درآمد و فقر موجب افزایش بدگمانی و استرس در بین افراد جامعه شده و مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهد و همچنین موجب واکنش‌های خشم‌آلود افراد نسبت به وقایع پیرامون خود می‌شود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

مشکلات اقتصادی بر سطح زندگی، الگوی مصرف و فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد و این به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با ایجاد یا حفظ روابط دوستان یا آشنایان و نیز با عدم توانایی سفرهای تعطیلات، رفتن به رستوران یا میزبانی مهمانی‌های خویشاوندی مرتبط است (Callan et al, 1993: 145). درآمد کم مانع از آن می‌شود که فقیران زندگی خود را با عزت‌نفس انجام دهند (Galbraith, 1958: 123). مجموعه این پیامدها و رفتارها، سلامت عمومی را دچار آسیب می‌کند و امنیت اجتماعی و سیاسی را با مخاطره روبرو می‌سازد و تعاملات اجتماعی فقرای شهری را با گسست روبرو می‌سازد. از این رو، اگر فقرا در کیفیت روابطشان با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی عضو آن‌ها هستند، کنشگری مناسب نداشته باشند، دچار اختلال می‌شوند، و فرآیند طرد اجتماعی برای آن‌ها اتفاق می‌افتد، خلاقیت‌های خود را از دست می‌دهند، زیست‌پذیری اجتماعی آن‌ها کم شده و این قضیه منجر به ایجاد الگوهای رفتاری ناسالم، زوال معنایابی، ایجاد فرهنگ سلطه‌پذیری، نگرش کوتاه‌مدت به آینده، کاهش تعلق اجتماعی و مشارکت‌های برانگیخته، زوال اعتماد و مسئولیت‌پذیری و در

نهایت، کمرنگ شدن امنیت اجتماعی (عینی و ذهنی) آن‌ها خواهد شد و به تعبیر مک‌روی می‌تواند سرمایه انسان را در آن‌ها خاموش سازد (تاج مزینانی و قاسمی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

با گسترش فقر، میزان آسیب‌های اجتماعی شهری به‌ویژه در محلات محروم و حاشیه شهرها افزایش می‌یابد و همچنین تشدید این آسیب‌ها با هر دلیل و علتی، راه را برای وقوع بحران‌های شهری هموار می‌کند. شناسایی آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی، از مهم‌ترین مسائل شهری است که مدیران شهری باید آن را موردتوجه قرار دهند؛ زیرا تجمیع و تراکم آسیب‌های اجتماعی در هر شهر و جامعه‌ای می‌تواند انسجام و همبستگی آن را مورد تهدید قرار دهد (Wilson & Neckerman, 1986: 245).

فقر در ایران همواره مسئله‌ای مهم و قابل‌طرح بوده است. به‌ویژه که اهمیت آن بعد از انقلاب اسلامی و با مطرح‌شدن اهداف حمایت از مستضعفان و نیازمندان دوچندان شده است. به‌گونه‌ای که از همان ابتدا رفع مشکل محرومان و فقیران کشور در سرلوحه برنامه‌ها و اهداف مسئولان قرار گرفت. توجه به فقرا و رفع محرومیت آن‌ها بعد از انقلاب شدت فراوانی گرفت به‌طوری‌که بخش زیادی از افراد تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهای حمایتی جدید و یا احیاء شده کشور همچون سازمان بهزیستی، کمیته امداد و غیره قرار گرفتند (زاهدی اصل و بساطیان، ۱۳۹۰: ۳). اما، گسترش فقر برای استان کرمانشاه به‌مراتب شدت بیشتری داشت. وقوع جنگ، مرزی بودن و نیز فشارهای بیکاری و جوانی جمعیت منجر به افزایش فقر و به حاشیه راندن عده‌ای از مسیر اصلی تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود.

«شهر کرمانشاه امروزه، یکی از شهرهای بزرگ ایران است که دچار شهرنشینی و شهرگرایی سریع شده است و نمود عینی فقر را می‌توان در محلات دولت‌آباد، جعفرآباد، صادقیه، شاطرآباد، چاگلان، نوکان، چقاکبود، باغ ابریم، حکمت‌آباد، آناهیتا، شهرک مهدیه و... مشاهده کرد» (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹). طی دوره ۱۳۸۴-

۱۳۹۴ در بخش خدمات مناطق روستایی، میانگین درآمدهای مردم رشد مثبت داشته و اثر درآمدی فقر را کاهش داده است؛ اما در سایر بخش‌ها (کشاورزی و صنعت روستایی و کشاورزی، صنعت و خدمات شهری) رشد میانگین درآمدهای مردم منفی بوده و اثر درآمدی فقر را افزایش داده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱). مروری بر آمارهای مرکز آمار ایران طی سالیان گذشته نشان می‌دهد شهرستان جوانرود با بیکاری ۴۲/۷ درصد، ۴۹/۳ درصد، ۴۶/۹ درصد و ۳۲/۵ درصد در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در بین ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه، به‌غیر از سال ۱۳۹۵ که رتبه سوم بیکاری داشته است در بقیه ادوار بیشترین درصد بیکاری داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

در شهر جوانرود طبق سرشماری ۱۳۹۵، از تقریباً ۱۵۰۰۰ خانوار، ۱۵۴۶ خانوار (بیش از ۱۰ درصد)؛ زنان، سرپرست خانوار بوده‌اند و ۴۳۴ خانوار، زنان سرپرست خانوار، تنها و بیش از ۵۰ سال داشته‌اند. ۱۸ درصد سرپرست خانوارها، بیکار و ۳۰ درصد نیز غیرفعال بوده‌اند. ۸/۶ درصد جمعیت زنان ده‌ساله و بیشتر، بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق همسر بوده‌اند. در شهر جوانرود نیز مناطق فقیرنشین وجود دارد که به‌مراتب از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی در موقعیت فرودستی قرار دارند. مناطق محروم و فقیرنشین جوانرود از جمله «قرگه»، «گرگه چال»، «باباجانی» و «سنجایی» با فقر و محرومیت شدید روبرو بوده که تأثیر آن در تمامی لایه‌ها و زوایای پنهان و آشکار زندگی‌شان مشخص است.

«مهم‌ترین ویژگی‌های این محله‌ها عبارت‌اند از: رشد جمعیت بالا، زندگی در زیرخط فقر، اشتغال کاذب یا ناپایدار، بار تکفل بالا، زیربنای مسکونی پایین، مرگ‌ومیر بالا، تراکم بالاتر، میزان آسیب‌های اجتماعی بیشتر از سایر محلات و توسعه‌نیافتگی کالبدی (آب، گاز، معابر، اماکن فرهنگی، بهداشتی، ورزشی و ...) بسیار بیشتر، حتی در قیاس با سایر مناطق شهر و نه استانداردهای ملی و بین‌المللی» (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). وجود این مشکلات باعث دگرگونی و تحول بسیاری در زندگی این مردمان شده است که آن‌ها را اجباراً به‌سوی معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت قاچاق

کالا، شورش و ناامنی در این مناطق، سوق داده است. علاوه بر این، شهر جوانرود همواره مستعد گرایش به گروهک‌های سیاسی مخرب و معاند بوده است که عمده این افراد در مناطق فقیر شهری بوده‌اند. زیرا این گروهک‌ها با ارائه وعده‌ها که عمدتاً مادی هستند، نفوذ زیادی بر تفکر این افراد دارد که از نظر فرهنگی و اجتماعی در سطح پایین‌تری نسبت به سایر افراد جامعه قرار دارند.

بنابراین، «فرآیندها و ساختارهای جمعیتی (مثل جوانی جمعیت و مهاجرت درونی و بیرونی شهر) به همراه فقدان برنامه‌ریزی جامع و نیز پدیده‌های ناخواسته‌ای چون جنگ تحمیلی و ... در نهایت به فقر و حاشیه‌نشینی این مناطق منجر شده و همین دو مقوله دوباره ساختارها و فرآیندهای جمعیتی را متأثر کرده‌اند و این دور معیوب کماکان ادامه دارد. به علاوه، در کنار این منظومه، باید سایر مسائل اجتماعی ناشی از این منظومه را هم دید که ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی بلندمدت و کوتاه‌مدت دارد» (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴). می‌توان گفت که فقر اقتصادی می‌تواند محدودیت‌هایی را برای افراد در حوزه سیاسی و اجتماعی داشته باشد؛ در حوزه مشارکت اجتماعی اعتماد نهادی کمرنگ می‌شود و جهت‌گیری فکری و دغدغه اصلی آن‌ها متوجه رفع نیازهای اقتصادی است و بنابراین نوعی بی‌تفاوتی نسبت به مشارکت اجتماعی به وجود می‌آید. نوعی بی‌اعتنایی به هیجانات درونی انسان گرایانه و بی‌علاقگی به مشکلات و درگیری‌های افراد دیگر محسوب می‌شود (Gans, 1992: 185).

در زمینه مشارکت سیاسی، وجود فقر می‌تواند باعث دل‌زدگی سیاسی شود؛ در این وضعیت انگیزه سیاسی و شرکت در انتخابات و رأی دادن تا داشتن مناصب حزبی و مردمی از بین می‌رود. پیوستن به احزاب، سازمان‌ها، باشگاه‌ها، گروه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی نیز از شاخص‌های دیگر مشارکت سیاسی است که وجود فقر وضعیتی را به وجود می‌آورد که مانع از هرگونه مشارکت و تعامل‌های فعال، آگاهانه، مستمر و پایدار برای شکل‌دهی یک جامعه مردم‌سالار و زندگی اجتماعی بهتر می‌گردد. این وضعیت با طرد هرگونه کنش فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری سطوح خرد و کلان

جامعه، باعث تقلیل تأثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و در نهایت افول و عقب ماندگی آن می گردد (صفاریان، ۱۳۹۸: ۱۵).

در زمینه آسیب های اجتماعی؛ فقر اقتصادی می تواند با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی اجتماعی نمود یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته که به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می شود. در این حالت شاهد بروز و ظهور انواع آسیب های اجتماعی و سیاسی در جامعه خواهیم بود. در واقع گسترش آسیب های اجتماعی، به عنوان تابعی از فقر و بیکاری جامعه را با بحران های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حتی امنیتی روبرو می سازد؛ چراکه این عوامل باعث بروز جنایات، انحرافات، تنش ها و بی نظمی های اجتماعی و خشونت می شود کاهش احساس امنیت، تضعیف اعتماد عمومی، گسترش رفتارهای ضد اجتماعی، فشارهای روانی و غیره از جمله پیامدهای توسعه آسیب های اجتماعی در جامعه است (حکیم و خزائی، ۱۳۹۸: ۱۴).

بدون شک مسئله فقر اقتصادی می تواند افراد را در ارضای نیازهای اولیه و اساسی زندگی محدود نماید و همین مسئله می تواند پیامدهای سیاسی و اجتماعی برای آنها به وجود آورد. وقتی دغدغه ذهنی رفع نیاز اقتصادی باشد، توان و انرژی افراد در راستای رفع این محدودیت خواهد بود و سایر نیازها در مراحل بعدی قرار می گیرد. از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش های زیر است:

- ۱- وضعیت فقر اقتصادی در محلات محروم شهر جوانرود چگونه است؟
- ۲- فقر اقتصادی چه تأثیری بر مشارکت اجتماعی شهروندان محلات محروم شهر جوانرود دارد؟
- ۳- فقر اقتصادی چه تأثیری بر مشارکت سیاسی شهروندان محلات محروم شهر جوانرود دارد؟

۴- آسیب‌های اجتماعی چه تأثیری بر مشارکت سیاسی شهروندان محلات محروم شهر جوانرود دارد؟

پیشینه پژوهش

حکیم و خزائی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان تبعات امنیتی فقر، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ایران بر اساس تئوری محرومیت تد رابرت گار نشان دادند که فقر بسترساز آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. فقر به‌عنوان بیماری مزمن اجتماعی باعث عدم استفاده از نیروی کار و از عوامل موجد نابرابری‌های اقتصادی در ایران است و از طرفی توزیع نامناسب ثروت، درآمد و رانت بین درآمدهای قانونی و غیرقانونی شکاف عظیمی به وجود آورده است. این عوامل انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی می‌شود.

اسفندیاری (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان فقر و انحرافات اجتماعی نشان داد که فقر به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی، در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن به‌ویژه در زمینه جرائم زنان، اعتیاد و سرقت تأثیرگذار است. در رویکرد دینی نیز این همبستگی میان فقر و انحرافات اجتماعی مورد تأیید است. بر این اساس فقر انگیزش روی‌آوری به کجروی را افزایش می‌دهد؛ همچنان که رفاه‌طلبی در روی‌آوری به جرائم، انگیزه بسیار قوی می‌باشد.

حیدری و آرایش (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان واکاوی رابطه بین فقر اقتصادی و رفتار انتخاباتی دانشجویان نشان دادند که فرار از بیکاری، ایجاد اشتغال برای مردم، کاهش نرخ بیکاری، افزایش درآمد سرانه، منافع حاصل از حضور پای صندوق‌های اخذ رأی، فراهم کردن مسکن برای مردم، تعدیل مقررات حاکم بر سیستم بانکی و کاهش نرخ تورم توانسته‌اند مشارکت سیاسی را تبیین نمایند.

محمدی و باقری کشکولی (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان «رابطه بین فقر و خشونت اجتماعی شهری» در شهر یزد نشان دادند که فقر با خشونت و داغ اجتماعی

رابطه دارد و در محلات فقیر شهری نمود بیشتری دارد. پایین بودن درآمد و نرخ بالای بیکاری دارای بیشترین تأثیر بر افزایش فقر هستند. دسترسی به خدمات رفاهی و شهری نیز کمترین تأثیر را بر افزایش فقر و خشونت شهری دارند.

روستائی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی «توزیع فضایی فقر شهری در کرمانشاه» پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین بلوک‌های شهر کرمانشاه نابرابری و شکاف درآمدی خاصی وجود دارد که این امر منجر به شکاف‌های در تمایزات کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر کرمانشاه شده است. فقر با تأثیر بر ابعاد چهارگانه فوق، منجر به کاهش سلامت و سرمایه اجتماعی و نیز کاهش مشارکت‌های رسمی و غیررسمی در بین بلوک‌های مختلف شهر کرمانشاه شده است.

زاهدی مازندرانی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی «فقر و سرمایه اجتماعی» در بین فقرای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و نیز خانوارهای مرفه شهر قزوین پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین میانگین سرمایه اجتماعی در بین فقرا و مرفهان تفاوت معناداری وجود دارد. علاوه بر این، بین فقر و سرمایه اجتماعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی افراد و گروه‌ها تحت تأثیر شرایط فقر و محرومیت قرار دارد و فقر تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی می‌گذارد. افزایش میزان سرمایه اجتماعی با توجه به فرایند بازتولید، قادر است زمینه لازم برای ارتقاء سطح رفاه کنشگران فقرزده را فراهم آورد.

کلانتری و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی» پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ۹۰ درصد از شهروندان در ۶ ماه دوم سال و ۸۳ درصد حداقل یک‌بار قانون‌گریزی داشته‌اند.

موران- مارینوز و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «فقر و اثرات آن بر خانواده و اجتماع در شهر لیمای پرو» به بررسی فقر و پیامدهای اجتماعی آن پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که بیش از سه‌چهارم خانواده‌ها فقیر هستند. بیشترین آسیب‌ها، سوءتغذیه و سلامت اجتماع و سلامت روان است. بیشترین عوامل خطر خانواده، خشونت خانوادگی و عدم وجود شیردهی در نوزادان، بارداری در بزرگسالی و سالخورده‌گی است.

مود و جانسون^۲ (۲۰۱۶) مطالعه‌ای با عنوان «فقر و اثرات اجتماعی آن: یک مطالعه طولی» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که فقر به‌طورکلی تأثیرات منفی بر زندگی اجتماعی افراد دارد. اثرات منفی آن بیشتر بر روابط با دوستان و نزدیکان است تا حمایت اجتماعی؛ و بیشتر بر مشارکت سیاسی است تا فعالیت‌های سازمانی.

لاولیس و فاکس^۳ (۲۰۰۱) در بررسی «فقر و مشارکت سیاسی در بین فقراى شهری» نشان می‌دهند: اولاً، منابع مادی و ویژگی‌های جمعیتی با تمایل به مشارکت سیاسی در میان در پاسخ‌دهندگان فقیر شهری رابطه معناداری دارد. دوم و مهم‌تر، تماس سازنده با کارگزاران دولتی که شهروندان در فقر شهری با آن‌ها روبرو می‌شوند، تجربیات مهمی هستند که باعث افزایش مشارکت سیاسی در بین فقراى شهری می‌شوند.

مطالعه گریف^۴ و همکاران (۲۰۱۴) با عنوان «فقر شهری و پیامدهای همسایگی بر جرم و جنایت: گنجاندن دیدگاه‌های مکانی و شبکه‌ای» نشان داد که خشونت در باندها، ضعف پیوندهای اجتماعی و نهادی و عدم تطابق فضایی، از پیامدهای فقر هستند که مستلزم بررسی ارتباطات بین محله‌ای در ارزیابی طبقه‌بندی مکانی جرم‌ها است.

1. Morán-Mariños

2. Mood & Jonsson

3. Lawless & Fox

4. Grife

آماتو و بیتتی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «آیا نرخ فقر و بیکاری بر نرخ طلاق و آسیب‌های خانوادگی تأثیرگذار است؟»، نشان دادند که فقر به‌طور مثبت در یک تحلیل دومتغیره بر آسیب‌های خانوادگی و طلاق اثر می‌گذارد.

پایولا سانتانا^۲ (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی «تأثیر فقر بر طرد اجتماعی و سلامت اجتماعی در پرتغال» پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که فقر با کاهش دسترسی به منابع درآمدی منجر به طرد اجتماعی این افراد می‌شود.

شاو^۳ (۱۹۹۶) در پژوهشی با عنوان «جرائم شهری و فضای خاص شهری» به بررسی نقش فضاهای فقیر شهری و میزان جرم پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فقر، افراد این مناطق را به‌سوی اعمال جرم آمیز می‌کشاند و این بیشتر ناشی از موقعیتی است که دارند. این موقعیت و ساختار نابرابر، مانع توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های مناسب برای آن‌ها است.

مافوراه^۴ (۱۹۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فقر بر سلامت عمومی در جوامع شهری» نشان می‌دهد که عدم بهداشت و امکانات اجتماعی که شامل عفونت‌ها، تغذیه ناکافی و مسکن نامناسب می‌شود، با جهل و ناآگاهی، آموزش ناکافی و عدم منابع همراه است.

مطالعه حاضر جزو دسته سوم مطالعات است که به پیامدهای فقر پرداخته است و سعی دارد جامع‌نگر باشد زیرا اکثر مطالعات انجام شده معمولاً یک بُعد از پیامدهای فقر را مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین در پژوهش حاضر پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدیده فقر در محلات محروم واکاوی شده است. در اکثر پژوهش‌ها درباره آسیب‌های اجتماعی، واحد تحلیل محله بوده است اما در این پژوهش واحد تحلیل خانوار بوده است. در اکثر مطالعات انجام شده همه ساکنان محلات محروم، فقیر

-
1. Amato & Beattie
 2. Santana
 3. shaw
 4. Maforah

محسوب کرده و همه آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و اقتصادی را به آنان نسبت داده‌اند درحالی‌که در این پژوهش همه ساکنان مناطق محروم همسان فرض نشده‌اند و متغیری وابسته به نام فقر اقتصادی خانوارها تهیه شده و افراد محلات فقیر با میزان فقر، نوع مشارکت اجتماعی، سیاسی و آسیب اجتماعی آنان مشخص شده است که پژوهش‌های پیشین فاقد چنین ویژگی روش‌شناسی بوده‌اند.

مبانی نظری

به‌طورکلی بر اساس تأثیرگذارترین تعاریف، فقر به‌عنوان فقدان منابع اقتصادی دیده می‌شود که پیامدهای اجتماعی منفی را در پی دارد. این در واقع دیدگاهی است که بر نظریه‌های فعلی فقر حاکم است (Mood and Jonson, 2016: 633). بر اساس تعریف بانک جهانی، فقر محرومیت ضمنی و رسمی از رفاه و شامل بسیاری از ابعاد مثل درآمد پایین و ناتوانی برای به دست آوردن کالاهای اساسی و خدمات لازم برای بقای باعزت است. فقر شامل پایین بودن سطح بهداشت و درمان و آموزش، دسترسی ضعیف به آب سالم و بهداشت، امنیت فیزیکی ناکافی، فقدان اعتراض و ظرفیت و فرصت‌های ناکافی برای زندگی بهتر است (سیف و ملکی شهریور، ۱۳۹۶: ۷۱). درباره شکل‌گیری فقر رویکردهای مختلفی شکل گرفته است؛ از جمله مهم‌ترین رویکردهای فقر، رویکرد نقص شخصیتی و رویکرد فقر ساختاری هستند که به‌نوعی در دو جبهه متضاد به تبیین فقر می‌پردازند.

رویکرد فقر به‌مثابه نقص شخصیتی: رویکرد فقر به‌مثابه نقص شخصیتی، «اولین تئوری فقر و مجموعه‌ای بزرگ و چندجانبه از توضیحات است که بر فرد به‌عنوان مسئول وضعیت فقر خود متمرکز است. به‌طورمعمول، نظریه‌پردازان محافظه‌کار، افراد را به خاطر ایجاد فقر خود مقصر می‌دانند و استدلال می‌کنند که فقرا با کار سخت‌تر و

انتخاب بهتر، می‌توانستند از مشکلات خود جلوگیری کنند (و اکنون نیز می‌توانند اصلاح شوند)» (Bradshaw, 2006: 6).

رویکرد فقر مثابه تبعیض ساختاری: رویکرد دیگر، فقر را به مثابه تبعیض ساختاری می‌بیند. «در این رویکرد، سیستم اقتصادی به گونه‌ای ساخته شده است که افراد فقیر صرف‌نظر از این که چه میزان صلاحیت دارند، عقب بیفتند. مشکل فقرای شهری به طور فزاینده‌ای به عنوان یک مشکل دستمزدی مطرح می‌شود که موانع ساختاری باعث می‌شود خانواده‌های فقیر نتوانند شغل بهتری داشته باشند. این وضعیت با تعداد محدود مشاغل در دسترس کارگران و عدم رشد در بخش‌هایی همراه است که مشاغل کم مهارت دارند (Tobin, 1994: 24).

فقر به مثابه «چرخه محرومیت»: فقر به مثابه «چرخه محرومیت» از دیگر رویکردهای فقر شهری است. این رویکرد به فرد و جامعه آن‌ها نگاه می‌کند که در یک مارپیچ از تنگناها و مشکلات گرفتار شده‌اند و بار مشکلات حاکم بر آن‌ها، فرصت‌های دیگر را می‌بندد و مجموعه‌ای از مشکلات ایجاد می‌کند که هرگونه واکنش مؤثر را تقریباً غیرممکن می‌کند. چرخه فقر مجموعه‌ای از وقایعی است که به واسطه فقر، از نقطه‌ای شروع می‌شود و ادامه می‌یابد، مگر این که مداخله‌ای بیرونی صورت بگیرد و این چرخه را بشکند. خانواده‌های فقیر دست کم در سه نسل خود گرفتار ورشکستگی هستند. اگر خانواده‌ای، در مقایسه با نسل قبلی خود، از این وضع نجات نیافته باشد، تداوم این فرآیند سرمایه اجتماعی و فرهنگی لازم را برای برون‌رفت از این بحران ناکارآمد می‌کند. این قشر از فقرا، در محاسبه میزان امید به زندگی نسلی، نسبت به میانگین سنی والدین خود در سطح پایینی قرار دارند. این وضعیت وقتی رخ می‌دهد که مردم فقیر منابع لازم، از جمله سرمایه مالی، تحصیلی یا ارتباطات اجتماعی لازم، را برای خروج از چرخه فقر ندارند.

به عبارت دیگر، وضعیت بد فقرا مانع از این می‌شود که آن‌ها به منابع اجتماعی و اقتصادی دسترسی داشته باشند. فقیر، با زندگی در این فضای زیستی، برای همیشه فقیر می‌ماند. از نظر «تاوونز»^۱ فقر به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از منابع لازم برای برخورداری از رژیم غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و امکانات معمول زندگی محروم باشد. تداوم نسلی فقر و گرفتاری فقرا در تسلسل آن، باعث شکل‌گیری الگویی از رفتار و نگرش‌ها می‌شود که تغییر آن به‌آسانی ممکن نیست (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

فقر به مثابه ضعف قابلیت: «آمارتیا سن»^۲ معتقد است که فقر باید بر اساس مجموعه ثابتی از قابلیت‌ها تعریف شود؛ به طوری که فقدان این قابلیت‌ها نزد فرد به منزله فقیر بودن وی است (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸: ۲۰۹). فقر به مثابه ضعف قابلیت از دیگر رویکردهای مترقی و اثرگذار فقر است. «این رویکرد منسوب به آمارتیا سن است. از نظر هواداران رویکرد قابلیت، این مقوله به دو شکل قابل طرح است: ۱- قابلیت پایه که مواردی همانند سواد آموزش، بهداشت و سلامت و غیره را شامل می‌شود و تا حدی نزدیک است به رویکرد نیازهای اساسی. ۲- قابلیت بنیادی به معنای وجود شرایطی که توانایی لازم برای رها شدن از قحطی، گرسنگی و سوء تغذیه، سوادآموزی، امکان مشارکت در زندگی اجتماعی، داشتن سرپناه، امکان مسافرت و غیره را فراهم می‌آورد و به وجود فرصت نزدیک است.

دیدگاه فقر قابلیت (فقر به عنوان جلوه‌ای از سلب توانمندی‌های اساسی)، این عقیده را که درآمد پایین یکی از علل عمده فقر است نفی نمی‌کند، اما بر محرومیت‌هایی متمرکز است که فی‌نفسه مهم‌اند و ارزش ذاتی و نهادی دارند، نه درآمد که تنها از نظر ابزاری قابل توجه است. به اعتقاد سن، اگر بخواهیم فقر را برحسب درآمد شناسایی کنیم، نگاه صرف به درآمدها (مستقل از قابلیت عمل ناشی از آن درآمدها) نمی‌تواند درک روشنی از فقر فراهم آورد. در فضای درآمدها، فقر را باید از

1. Townsend
2. Sen

جنبه ناکافی بودن (در ایجاد حداقل قابلیت‌های متعارف) بررسی کرد و نه صرفاً پایین بودن (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۴).

در این دیدگاه؛ نگاه به پدیده فقر به‌مثابه محرومیت از قابلیت، در کنار دیدن فقر درآمدی، سایر ابعاد فقر را نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. بر اساس نگرش قابلیت، در صورتی عایدات و خروجی‌های فرد (مانند درآمد او) ارزشمند هستند که نتیجه انتخاب‌های او باشند و نه حاصل جایگزینی به‌اجبار زمان فراغت با زمان اشتغال، به دلیل گریز از فقر و محرومیت‌های درآمدی و به بهای از دست دادن فرصت‌ها و قابلیت‌های فرد. رویکردهای مذکور بر شکل‌گیری فقر تأکید دارند اما با توجه به مسئله پژوهش حاضر که پیامدهای فقر است رویکردهایی که پیامدهای فقر نظر داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ رویکردهای فقر و امنیت اجتماعی، فقر و طرد اجتماعی، فقر و سلامت اجتماعی و جسمی و... از این جمله هستند. این رویکردها بر پیامدهای اجتماعی و اقتصادی فقر تأکید دارند.

رویکرد فقر و امنیت اجتماعی: رویکرد فقر و امنیت اجتماعی بر محرومیت اقتصادی- اجتماعی افراد تأکید نموده و می‌گوید افرادی که از محرومیت اقتصادی- اجتماعی برخوردارند برای یادگیری رفتار خشونت‌آمیز مستعدترند. نظریه‌های فشار مدعی هستند جرم تابعی از تضاد بین اهداف و ابزارهایی است که مردم می‌توانند به شیوه مشروع برای رسیدن به آن اهداف از آن‌ها استفاده کنند. دورکیم از پیشگامان نظریه فشار، نظریه آنومی را برای تبیین جرم و کج‌روی مطرح نمود. از نظر او، آنومی زمینه‌ساز ناهنجاری‌های اجتماعی است. مرتن معتقد است وقتی افراد ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف را نداشته باشند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه ممکن است راه‌های غیرقانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و در واقع به جرم و بزهکاری متوسل شوند.

اگینو معتقد است که ارتکاب جرم فرد نتیجه مستقیم حالات منفی مؤثر از قبیل عصبانیت، ناکامی، افسردگی، ناامیدی و ترسی است که این عوامل خود نتیجه فقر، یعنی

شکست در دستیابی به اهداف، گسست بین انتظارات و دستاوردها، حذف محرک مثبت یا خوشایند و وارد کردن یک محرک منفی یا ناخوشایند است. کوهن نیز در نظریه خود با عنوان ناکامی منزلتی، کجروی را به پایگاه اجتماعی و طبقات منسوب می‌کند و منشأ این رفتارها را عدم دسترسی به اهداف مورد قبول جامعه می‌داند (علمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

رویکرد فقر و طرد اجتماعی: فقر و طرد اجتماعی یکی دیگر از رویکردهایی

است که به پیامدهای فقر پرداخته است. در این رویکرد مهم‌ترین پیامد فقر طرد اجتماعی افراد است. فقرا به دلیل نداشتن درآمد بالاتر از سطح معیشت توان مشارکت و فعالیت اجتماعی هدفمند و مطلوب را از دست می‌دهند و در نتیجه از روند تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بازمی‌مانند. طرد در دو سطح خرد و کلان اتفاق می‌افتد؛ مفهوم کلان طرد در واقع جایی است که صحبت از ظرفیت ساختاری عضویت اجتماعی مطرح باشد. در این سطح، گروه‌ها و اشخاص مطرود اجتماعی، دچار عدم توانایی یا فقدان دسترسی به فرصت‌های ساختاری می‌شوند. طرد در سطح خرد، موجب قطع پیوندهای اجتماعی می‌شود که گروه‌ها را به هم متصل می‌سازد.

در اینجا تأکید بر روی روابط میان افراد و گروه‌ها است، بدون این که نگاهی جدی به نقش ساختارهای مطرود ساز افکنده شود. برخی مواقع طرد در هر دو سطح وجود دارد؛ در این حالت، طرد در عین حال که پدیده‌های خرد است، پدیده‌ای کلان نیز محسوب می‌شود (یا بالعکس). این رویکرد می‌تواند از رویکرد قبلی که در آن طرد، روابط گروهی و میان اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد، متمایز شود؛ زیرا نه فقط افراد مطرود، بلکه نهادها و اشخاص مطرود ساز را هم که از این جریان بهره‌مند می‌شوند، در برمی‌گیرد (طالبان و آذرنگ، ۱۳۹۷: ۸۴).

در این رویکرد فقر به عنوان فراگرد پویای سلب صلاحیت اجتماعی دیده می‌شود که به موجب آن روابط بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نقض و قطع می‌شود فقر با ایجاد: نخست، طرد از منابع، شامل منابع اقتصادی-مادی، دسترسی به

خدمات عمومی و خصوصی، دسترسی به منابع اجتماعی؛ دوم، طرد از مشارکت، شامل مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی، مشارکت فرهنگی، کسب تحصیلات و مهارت‌ها، مشارکت مدنی و سیاسی؛ سوم، طرد از کیفیت زندگی، شامل برخورداری از سلامتی و بهزیستی، داشتن محیط‌زیست سالم، دوری از جرم، آسیب‌های اجتماعی و جنایتکاری منجر به انزوا و گسست در سلامت اجتماعی افراد می‌شود (احدیان و کسرابی، ۱۳۹۷: ۱۹-۱۴). فقرا معمولاً در عرصه اجتماعی، حضور چندانی ندارند و از مشارکت در فعالیت‌های عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان‌های بزرگ پرهیز می‌کنند و در هیچ‌یک از انجمن‌های عام‌المنفعه و داوطلبانه عضو نمی‌شوند. این امر ناشی از فقدان منابع مالی یا تبعیض و امثال آن است (راچ و راچ، ۱۳۵۴: ۲۷).

در مجموع، چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از نظریه چرخه یا تله فقر (ساختاری)، فقر قابلیتی و فقر به‌مثابه طرد اجتماعی است. این مناطق از نظر امکانات و تسهیلات در سطح نازلی قرار دارند که این امر منجر به آسیب‌پذیری و کاهش قدرت چانه‌زنی و ضعف خانوار و در نتیجه فقر خانواده می‌شود. این موقعیت فرودستی جغرافیایی در کنار تله و چرخه به ارث رسیده، شرایطی ایجاد می‌کند که قابلیت بنیادی و کارکردی افراد ساکن در این مناطق را خاموش می‌سازد که به‌مرور زمان موقعیت فقیرانه را در آن‌ها نهادینه و تثبیت می‌سازد در نتیجه امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی فعال از آن‌ها گرفته می‌شود و زمینه آسیب‌های اجتماعی در چنین مناطقی افزایش می‌یابد.

جامعه، نمونه و روش پژوهش

با توجه به این‌که این مطالعه با رویکرد اثبات‌گرایی انجام شده است، بنابراین جهت انجام آن از نظر راهبرد پژوهشی؛ کمی، از نظر شیوه گردآوری داده‌ها؛ توصیفی از نوع پیمایشی و از نظر زمانی به‌صورت مقطعی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه افراد

بالای ۱۸ سال محلات محروم شهر جوانرود شامل محلات باباجانی، قرگه، گرگه چال و سنجابی بوده‌اند که بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، ۱۶۴۰۴ نفر بوده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۶ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. نمونه‌گیری نیز به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است و تعداد نمونه بر اساس حجم جمعیت برای هر منطقه متفاوت بوده است. بدین ترتیب، در هر محله چهار کوچه انتخاب شد و از ابتدای هر کوچه برای خانوارها به‌صورت یک‌درمیان، انتخاب و در نهایت به تعداد موردنیاز هر کوچه پرسشنامه‌ها تکمیل شد. در هر خانه، یک نفر از افراد بالای ۱۸ سال پرسشنامه را تکمیل کرده است.

برای شاخص فقر از میانگین نمره استاندارد دو متغیر درآمد ماهیانه خانواده (کمتر از یک‌میلیون، یک تا دو میلیون، دو تا سه میلیون و سه میلیون و بیشتر) و تعداد وسایل و امکانات منزل (بله و خیر) استفاده شده است. امکانات منزل شامل موارد زیر بوده است: ماشین لباسشویی، اتاق شخصی، کامپیوتر و لپ‌تاپ، کتابخانه شخصی، تلویزیون آل سی دی، ماشین شخصی، جاروبرقی، مبلمان خانه، گوشی تلفن هوشمند. برای عملیاتی سازی آسیب‌های اجتماعی از پاسخگویان در مورد وقوع یا عدم وقوع هشت آسیب اجتماعی در خانواده سؤال شده است (خشونت خانگی، طلاق، سابقه زندانی شدن، اعتیاد، ترک تحصیل، فرار از خانه، کودک کار و خیابانی، نزاع با دیگران). شاخص‌های مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی با استفاده از گویه‌های زیر و طیف لیکرت طبق جدول زیر عملیاتی شده‌اند.

جدول ۱- عملیاتی کردن متغیرها و نتایج تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ

شاخص	گویه	آلفای کرونباخ
مشارکت اجتماعی	در کارهای محله مانند اعیاد و جشن‌ها فعالیت می‌کنم	۰/۷۸
	در مراسم‌های مذهبی مانند نماز و عزاداری‌ها مشارکت می‌کنم	
	در فعالیت‌های محله مانند جلسات و تصمیم‌گیری‌ها حضور دارم	
	در فعالیت‌های بهداشت محله فعالیت دارم	
	در کمک به همسایه‌ها و رفع مشکلات آنها حضور دارم	
مشارکت سیاسی	چقدر با تشکل‌های سیاسی (احزاب، بسیج، و ...) ارتباط دارید؟	۰/۸۰
	چقدر در جلسات سیاسی شرکت نموده و نظرات خود را بیان می‌کنید؟	
	چقدر در انتخابات شرکت نموده تا فرد موردنظر برای منصب سیاسی انتخاب کنید؟	
	چقدر وقت می‌گذارید تا از اخبار و وقایع سیاسی کشور آگاه شوید؟	

یافته‌ها

در ابتدا برای بررسی وضعیت اقتصادی پاسخگویان در محلات محروم، وضعیت تحصیلات، شغل، درآمد آنان توصیف شده است. وضعیت درآمد خانواده پاسخگویان در محلات محروم شهر جوانرود نشان داده است که بیش از ۵۰ درصد خانوارها، درآمد کمتر از ۲ میلیون تومان داشته‌اند و درصد خانوارهای با درآمد سه میلیون تومان و بیشتر خیلی کم (۱۲/۸ درصد) بوده است. تقریباً دوسوم پاسخگویان تحصیلات آنها دیپلم و کمتر بوده است که امروزه برای توانمندی افراد در مناطق فقیرنشین کفایت نمی‌کند. تحصیلات والدین پاسخگویان نیز نشان داده است که ۱۰ تا ۱۵ درصد دانشگاهی بوده‌اند و این میزان تحصیلات در عدم شکل‌گیری سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین کنشگری اجتماعی و سیاسی افراد در این مناطق نقش مهمی داشته است.

وضعیت فعالیت و شغلی پاسخگویان نشان داده است که تقریباً ۴۵ درصد بیکار و یا دانشجو بوده‌اند و درصد کارمند یا حقوق‌بگیر دولتی در آنان بسیار کم بوده است (۲/۹ درصد برای پاسخگویان و ۱۹/۷ درصد برای پدر پاسخگویان). با توجه به مزایای اقتصادی و اجتماعی ناشی از شغل دولتی در جامعه ایران، شهروندان محلات محروم از این مزیت‌ها نیز بی‌نصیب مانده‌اند. بیش از ۳۵ درصد پاسخگویان، شغل پدر آنها کارگر بوده است بنابراین وضعیت درآمدی و تحصیلات نتیجه بلافصل وضعیت شغلی آنها است که تله محرومیت را در محلات محروم تداوم بخشیده است.

جدول ۲- توزیع درصدی درآمد، تحصیلات و شغل پاسخگویان

درآمد	درصد	تحصیلات	پاسخگو	پدر	مادر	شغل	پاسخگو	پدر
زیر یک میلیون	۸/۸	ابتدایی	۶/۱	۱۳	۱۴/۶	کارمند	۲/۹	۱۹/۷
یک الی دو میلیون	۴۳/۱	راهنمایی	۱۸/۶	۱۹/۱	۲۴/۲	آزاد	۴۷/۹	۳۹/۱
دو الی سه میلیون	۳۵/۴	دیپلم	۳۹/۱	۵۰/۳	۵۰/۳	بیکار	۳۹/۵	-
سه میلیون به بالا	۱۲/۸	فوق دیپلم	۲۲/۳	۱۳/۶	۷/۷	دانشجو	۶/۶	-
		لیسانس	۱۳/۳	۲/۹	۲/۷	کارگر	-	۳۵/۴
		فوق لیسانس	۰/۵	۱/۱	۰/۵	بازنشسته	۳	۵/۹
جمع	۱۰۰		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		۱۰۰	۱۰۰

طبق یافته‌های پژوهش (جدول ۳) خانواده‌ها در محلات محروم از وسایل ضروری منزل محروم هستند. ۲۰ درصد و یا کمتر ماشین لباس‌شویی، کتابخانه شخصی، مبلمان و کامپیوتر داشته‌اند. کمتر از ۳۰ درصد از خانواده‌ها اتاق شخصی، جارو برقی و ماشین شخصی داشته‌اند و کمتر از نصف پاسخگویان دارای گوشی هوشمند (۴۲/۸ درصد) بوده‌اند که با گسترش فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در بستر فضای مجازی، میزان پردشدگی شهروندان محلات محروم با فقدان گوشی هوشمند

روزبه‌روز بیشتر می‌شود. همچنین ۲۰ تا ۴۰ درصد خانواده‌های محلات محروم شهر جوانرود با یکی از آسیب‌های اجتماعی مواجه بوده‌اند. بیشترین آسیب اجتماعی مربوط به کودک کار، ترک تحصیل و خشونت خانگی بوده است و کمترین آسیب اجتماعی، اعتیاد، سابقه زندان، طلاق و فرار از خانه بوده است.

جدول ۳- توزیع درصدی داشتن وسایل و امکانات و آسیب‌های اجتماعی خانواده پاسخگویان

درصد	آسیب‌های اجتماعی	درصد	وسایل و امکانات منزل
۹/۳۹	کودک کار	۴۲/۸	گوشی هوشمند
۹/۳۵	ترک تحصیل	۳۷/۲	تلویزیون الی سی دی
۳۴/۸	خشونت خانگی	۲۸/۵	ماشین شخصی
۵/۲۴	نزاع و درگیری با دیگران	۲۶/۶	جارو برقی
۵/۲۱	فرار از خانه	۲۲/۳	اتاق شخصی
۲۰/۵	طلاق	۲۰/۵	کامپیوتر و لپ‌تاپ شخصی
۱۹/۷	سابقه زندانی شدن	۱۹/۱	مبلمان خانه
۴/۱۹	اعتیاد	۱۸/۱	کتابخانه شخصی
-	-	۱۶/۸	ماشین لباسشویی

بر اساس جدول ۴ یافته‌ها نشان داده است که مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان محلات محروم در حد متوسط و کمتر از متوسط بوده است (میانگین مشارکت اجتماعی ۲/۴۸ و مشارکت سیاسی ۲/۲۲ از دامنه نمره ۰ تا ۵). مشارکت سیاسی کمتر از مشارکت اجتماعی بوده است. میانگین مشارکت اجتماعی مردان بیش از زنان بوده است اما میانگین مشارکت سیاسی زنان و مردان تفاوت آماری معنی‌داری نداشته است. میانگین مشارکت اجتماعی و سیاسی برحسب درآمد خانواده پاسخگویان متفاوت بوده است و هر چه درآمد آنها کمتر بوده است مشارکت اجتماعی کمتر و

مشارکت سیاسی بیشتر بوده است و برعکس. میانگین مشارکت اجتماعی و سیاسی برحسب تحصیلات پاسخگویان متفاوت بوده است و پاسخگویانی که تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند میانگین مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها نسبت به بقیه کمتر بوده است. میانگین مشارکت اجتماعی برحسب وضعیت شغلی متفاوت بوده است و کسانی که دانشجو و یا بیکار بوده‌اند یا به عبارتی غیرفعال به لحاظ اقتصادی بوده‌اند مشارکت اجتماعی بیشتری داشته‌اند اما مشارکت سیاسی پاسخگویان برحسب وضعیت شغلی به لحاظ معنی‌داری آماری تفاوتی چندانی نداشته است.

جدول ۴- مقایسه میانگین مشارکت اجتماعی و سیاسی پاسخگویان برحسب جنس، درآمد، تحصیلات و شغل

جنس	اجتماعی	سیاسی	درآمد	اجتماعی	سیاسی	تحصیلات	اجتماعی	سیاسی	شغل	اجتماعی	سیاسی
کل	۲/۴۸	۲/۲۲	۰-۱ م	۲/۳۴	۲/۳۱	ابتدایی	۲/۵۵	۲/۵۵	کارمند	۲/۲۵	۲/۱۳
مرد	۲/۶۷	۲/۲۶	۱-۲ م	۲/۴۳	۲/۳۳	راهنمایی	۲/۴۶	۲/۲۳	آزاد	۲/۴۲	۲/۲۲
زن	۲/۳۷	۲/۲۰	۲-۳ م	۲/۴۴	۲/۱۲	دیپلم	۲/۵۸	۲/۳۶	بیکار	۲/۵۵	۲/۲۶
			۳+ م	۲/۸۳	۲/۱	دانشگاهی	۲/۲۰	۲/۰۱	دانشجو و	۲/۷۶	۲/۱۴
T	۳/۶۱	۰/۸۶	F	۳/۹۹	۳/۲	F	۳/۱	۵/۷	F	۲/۶۵	۰/۳۸
Sig	۰/۰۰۰۱	۰/۳۸	Sig	۰/۰۰۸	۰/۰۲۳	Sig	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰۱	Sig	۰/۰۳۳	۰/۸۱

در این پژوهش برای بررسی تأثیر فقر (متغیر مستقل) بر متغیرهای مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی (متغیرهای وابسته) از رگرسیون خطی ساده استفاده شده

است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داده است که ضریب تأثیر فقر بر مشارکت اجتماعی شهروندان فقیرنشین ۰/۱۳ بوده است و رابطه مستقیم بوده است یعنی فقر بیشتر، مشارکت اجتماعی کمتری به همراه داشته است و فقر کمتر، مشارکت اجتماعی بیشتری به همراه داشته است. ضریب تأثیر فقر بر مشارکت سیاسی ۰/۲۲- بوده است. ضریب منفی و رابطه معکوس بوده است یعنی فقر بیشتر مشارکت سیاسی بیشتری به همراه داشته است و فقر کمتر مشارکت سیاسی کمتری به همراه داشته است. لازم به ذکر است در این پژوهش ضریب تعیین فقر بر هر دو متغیر وابسته مشارکت اجتماعی و سیاسی خیلی کم بوده است.

جدول ۵- ضرایب تحلیل رگرسیونی تک متغیره تأثیر فقر بر مشارکت اجتماعی و سیاسی

متغیر مستقل (فقر)	آزمون F	ضریب Beta	ضریب تعیین (R2)	سطح معنی داری
مشارکت اجتماعی (وابسته)	۶/۰۵	۰/۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۱۴
مشارکت سیاسی (وابسته)	۱۹/۷	-۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۰۰۱

برای بررسی نقش فقر در احتمال وقوع یا عدم وقوع آسیب‌های اجتماعی در محلات محروم شهر جوانرود با توجه به سطح سنجش آسیب‌های اجتماعی (وقوع یا عدم وقوع) از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. لازم به ذکر است برای هر آسیب اجتماعی یک مدل رگرسیونی جداگانه انجام شده است. آماره نکویی برازش مدل‌های رگرسیونی لجستیک (Omnibus Test & Hsmer- Lemeshow Goodness of Fit) برای همه مدل‌های رگرسیونی با سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی دار بوده است و آماره‌ها و ضرایب مهم دیگر مدل‌های رگرسیونی در جدول زیر آمده است. طبق آماره کاکس و نل (ضریب تعیین رگرسیونی) فقر بیشتر واریانس آسیب‌های اجتماعی (متغیرهای وابسته) خشونت خانگی، ترک تحصیل و کودک کار را تعیین کرده است.

آماره‌های والد (Wald) و سطح معنی‌داری متناظر با آنها نشان از معنی‌داری ضرایب رگرسیونی دارد.

نسبت بخت‌ها آماره‌ای است که احتمال وقوع و عدم وقوع متغیر وابسته (آسیب‌های اجتماعی) با توجه به متغیر مستقل (میزان فقر) را نشان می‌دهد. نتایج نسبت بخت‌ها نشان داده است میزان تأثیر فقر بر احتمال وقوع یا عدم وقوع آسیب‌های اجتماعی یکسان نیست. میزان فقر بر برخی آسیب‌های اجتماعی اثر منفی و بر برخی اثر مثبت داشته است. پاسخگویانی که فقر کمتری داشته‌اند احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی نزاع و درگیری، فرار از خانه، طلاق و اعتیاد در خانواده آنها کمتر بوده است و برعکس احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی خشونت خانگی، ترک تحصیل، کودک کار و سابقه زندان در آنها بیشتر بوده است.

جدول ۶- ضرایب تحلیل رگرسیونی لجستیک تأثیر فقر بر آسیب‌های اجتماعی

متغیر وابسته	آماره کاکس و نل Cox- Snell	آماره والد (Wald)	سطح معنی‌داری (Sig)	نسبت بخت‌ها (Exp(B))
خشونت خانگی	۰/۶۲	۹۸/۷	۰/۰۰۰۱	۲/۶
ترک تحصیل	۰/۴۴	۹۱/۱	۰/۰۰۰۱	۱/۸۷
کودک کار	۰/۳۹	۸۴/۷	۰/۰۰۰۱	۱/۷۶
سابقه زندان	۰/۰۷۱	۱۶/۷	۰/۰۰۰۱	۱/۲۲
نزاع و درگیری	۰/۰۲۷	۶/۴	۰/۰۱۱	۰/۸۸
فرار از خانه	۰/۰۳۶	۸/۲	۰/۰۰۴	۰/۸۵
طلاق	۰/۰۵۵	۱۱/۸	۰/۰۰۱	۰/۸۲
اعتیاد	۰/۰۵۴	۱۱/۴	۰/۰۰۱	۰/۸۱

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از این پژوهش بررسی تأثیر فقر اقتصادی بر مشارکت اجتماعی و سیاسی و آسیب‌های اجتماعی شهروندان در محلات محروم شهر جوانرود است و تمرکز آن بر پیامدهای فقر بوده است. در مطالعات مربوط به مناطق محروم و طبقه پایین جامعه، پژوهشگران در مورد وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها تفاوت خاصی بین آنها قائل نبوده و آنها را یک کلیت منسجم دانسته که همچنان که در فقر اقتصادی به سر می‌برند گرفتار همه آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی نیز هستند. این پژوهش با تمرکز بر محلات محروم به وضعیت فقر اقتصادی شهروندان در این مناطق و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن پرداخته است.

وضعیت اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان نشان داد که ۵۰ درصد کمتر از دو میلیون درآمد در ماه دارند و دوسوم آنها دارای تحصیلات دیپلم و یا کمتر دارند. ۴۵ درصد بیکار و یا دانشجو بوده‌اند و درصد حقوق‌بگیر دولتی در آنها خیلی کم بوده است. شغل ۳۵ درصد از سرپرست خانوارها کارگر بوده است. چنین وضعیت اقتصادی منجر به بازتولید فقر در چنین محلاتی شده است. این وضعیت اقتصادی و اجتماعی در امکانات زندگی آنها نقش مهمی داشته است؛ اکثر خانواده‌ها وسایل ضروری زندگی امروزی مانند تلویزیون، ماشین لباسشویی، گوشی هوشمند و... نداشته‌اند و ۲۰ تا ۴۰ درصد خانواده‌ها حداقل یکی از اعضای آنها با آسیب‌های اجتماعی مواجه بوده است. لازم به ذکر است نوع آسیب اجتماعی آنها با میزان فقر آنها رابطه داشته است و کسانی که فقر کمتری داشته‌اند احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی نزاع و درگیری، فرار از خانه، طلاق و اعتیاد در خانواده آنها کمتر بوده است و برعکس احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی خشونت خانگی، ترک تحصیل، کودک کار و سابقه زندان در آنها بیشتر بوده است.

علاوه بر این میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها برحسب میزان فقر آنها متفاوت بوده است؛ هر چه افراد فقر اقتصادی بیشتری داشته‌اند، مشارکت اجتماعی کمتر و برعکس مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی و آسیب‌های اجتماعی برحسب ویژگی‌های فردی پاسخگویان مانند جنسیت، تحصیلات، وضعیت شغلی و... نیز متفاوت بوده است. پس با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت پیامدهای اجتماعی و اقتصادی برای شهروندان محلات محروم یکسان نیست و برحسب میزان فقر اقتصادی و ویژگی‌های فردی آنها متفاوت است و در مطالعات مربوط به زندگی شهروندان محلات محروم و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این زمینه به این تنوع و تفاوت توجه نمود.

از منظر رویکرد مشارکتی که پشتوانه فرضیات مربوط به مشارکت اجتماعی و سیاسی بود فرض بر این بود که بین فقر و مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد؛ یافته‌های پژوهش رابطه فقر و مشارکت اجتماعی را تأیید کرده است و این مناطق عموماً به دلیل امکانات اقتصادی کم، توان برقراری رابطه و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته را ندارند و اگر ارتباطی وجود دارد از نوع ارتباط درون‌گروهی ناشی از وجود خویشاوندان و روابط ناشی از آن است. این ضعف مشارکتی منجر به ایجاد شرایطی شده که خود تلقی فقر را تثبیت کرده است.

بنابراین، ضعف قابلیت‌ها در کنار ضعف مشارکتی، هم آسیب‌های اجتماعی را مضاعف کرده است و هم قابلیت‌های آنها را پنهان ساخته و اجازه نمی‌دهد ظرفیت‌های بالقوه آنها شکوفا شود و در خدمت توسعه و پیشرفت آنها قرار بگیرد. اما رابطه فقر و مشارکت سیاسی برخلاف فرض رویکرد مشارکتی بوده است و کسانی که فقر بیشتری داشته‌اند مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند که لازم است توضیح داده شود که این نوع مشارکت سیاسی از نوع انفعالی و صرفاً شرکت در انتخابات به‌واسطه هزینه‌های انتخاباتی در محلات محروم در زمان انتخابات است.

یافته‌های پژوهش حاضر در راستای مطالعات محمدی و باقری‌کشکولی (۱۳۹۳) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) گرایف^۱ و همکاران (۲۰۱۴) بوده است که به بررسی ارتباط فقر با خشونت و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌اند. مطالعه آماتو و بیٹی^۲ (۲۰۱۰) با بررسی تأثیر فقر و بیکاری بر نرخ طلاق و آسیب‌های اجتماعی، تأییدی بر رابطه اشتغال و آسیب‌های اجتماعی در مطالعه حاضر هستند. مطالعه فرهادی خواه و همکاران (۱۳۹۶)، شهرپور روستائی و همکاران (۱۳۹۱)، توسط لطفی و حسنعلی زاده (۱۳۹۹) و شاو^۳ (۲۰۱۵) که به بررسی فقر و فضاهای شهری پرداخته‌اند، نیز از حیث بررسی آسیب‌های اجتماعی با مطالعه حاضر همسو بوده است.

مطالعه حاضر از حیث رابطه منفی فقر و مشارکت اجتماعی با مطالعات روستائی و همکاران (۱۳۹۱) و زاهدی مازندرانی و همکاران (۱۳۸۷) همسو بوده است و همچنین در رابطه با رابطه مثبت مشارکت سیاسی و فقر با مطالعه مود و جانسون (۲۰۱۶) که بر مشارکت سیاسی فقرا تا فعالیت سازمان‌یافته سیاسی آنان تأکید دارند همسو است. از حیث عوامل مؤثر بر فقر نیز باید گفت که مطالعه حاضر با مطالعه سالم و عرب یارمحمدی (۱۳۹۷) که بر نقش آموزش و تحصیلات، تأهل و جنس در شکل‌گیری فقر تأکید داشته است همسو بوده است. در مطالعه حاضر نیز میزان فقر برحسب ویژگی‌های فردی مانند جنسیت، تحصیلات، وضعیت شغلی متفاوت بود.

در یک تحلیل کلی باید گفت که فقر موجود در بین فقرای محلات محروم شهر جوانرود، فقری قابلیت‌ی و ساختاری است که این فقر در دسترسی به امکانات معیشتی پایدار خود را جلوه می‌کند. دسترسی پایین به امکانات و لوازم‌خانگی، مسکن نامناسب و وجود آسیب‌های اجتماعی نسبتاً زیاد که فراوانی آنها در یافته‌های توصیفی مشهود است، نشان می‌دهد که تله فقر اجازه نمی‌دهد این افراد مشارکت اجتماعی و سیاسی

1. Grife
2. Amato and Beattie
3. shaw

مطلوبی داشته باشند، زیرا درگیری در کنش‌های اجتماعی و سیاسی را امری بیهوده و فاقد اثربخشی در وضع موجود خود می‌بینند. این امر در سطحی دیگر شرایط لازم برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را محدود می‌کند. ضعف مشارکت سیاسی نیز شرایط انفعالی آنها را تعمیق می‌بخشد و باعث می‌شود که مطالبه‌گری کمتری داشته و در نتیجه کنش‌های سیاسی حداقلی آنها صرفاً معطوف به انتخابات باشد.

بنابراین، می‌توان گفت که ضعف کنش‌های اجتماعی و سیاسی قدرت بازنمایی اجتماعی آنها را کاهش داده و فرهنگ انفعال، پذیرش موقعیت موجود را راحت‌تر کرده و تسلیم و تقدیر را مهم‌ترین عامل ایجاد در وضعیت موجود فقیرانه می‌دانند. در واقع، با ایجاد بسترهایی برای مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها، حمایت اجتماعی موجود در جهت تحقق نیازهای واقعی و عاطفی افراد عمل می‌کند. تعلق به یک شبکه اجتماعی با کاهش طرد و محرومیت اجتماعی، با ایجاد الزامات متقابل موجب می‌شود تا افراد احساس قدرت، حمایت و ارزش اجتماعی نمایند.

منابع

- ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۰)، «فقر درآمدی، فقر قابلیتی و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت»، *مجله تأمین اجتماعی*، سال ۱۲، شماره ۴: ۳۷-۵۹.
- احدیان، صونا و کسرای، محمد سالار. (۱۳۹۷)، «سنجش احساس طرد اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، *مجله جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ۹، شماره ۱: ۱-۱۹.
- اسفندیاری، اسماعیل. (۱۳۸۲)، «فقر و انحرافات اجتماعی»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، سال چهارم، شماره ۲۱، ۸۸-۱۰۲.
- تاج مزینانی، علی‌اکبر و قاسمی نژاد، ابوذر. (۱۳۹۵)، «کنش‌ورزی سیاسی و سلامت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله منطقه ۴ شهر تهران)»، *مجله مطالعات انتخابات*، سال پنجم، شماره ۱۲-۱۳: ۱۴۱-۱۶۶.
- حکیم، محمدعلی و پورخزایی، علی. (۱۳۹۸)، «تبعات امنیتی فقر، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ایران بر اساس تئوری محرومیت تد رابرت گار»، *دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی*، اردبیل.
- حیدری، نصرت‌اله و آرایش، باقر. (۱۳۹۴)، «واکاوی رابطه بین فقر اقتصادی و رفتار انتخاباتی دانشجویان»، *مجله تخصصی علوم سیاسی*، دوره ۱۱، شماره ۳۰: ۱۶۵-۱۸۴.
- راج، جک‌رال و راج، جانث. (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی فقر*، ترجمه: احمد کریمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- روستائی، شهریور؛ احد نژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر و زنگنه، علیرضا. (۱۳۹۱)، «توزیع فضائی فقر شهری در شهر کرمانشاه»، *مجله رفاه اجتماعی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵: ۷۷-۱۰۱.
- زاهدی اصل، محمد و بساطیان، سید محمد. (۱۳۹۰)، «مسائل و مشکلات فقر در ایران»، *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۷: ۱-۲۶.
- زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و حیدری، امیرارسلان. (۱۳۸۷)، «فقر و سرمایه اجتماعی»، *مجله رفاه اجتماعی*، دوره هفتم، شماره ۲۸: ۷۹-۱۰۶.
- صفاریان، محسن. (۱۳۹۸)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌تفاوتی: مورد مطالعه جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر کرمانشاه، رساله دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- طالبان، محمدرضا و آذرنگ، ندا. (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه طرد اجتماعی ذهنی با مشارکت سیاسی جوانان نسل سوم انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهشنامه متین*، سال ۲۰، شماره ۷۸: ۸۱-۱۰۳.

نقش فقر اقتصادی در مشارکت اجتماعی، سیاسی ... ۶۵

- علمی، محمود؛ تیغزن، خدیجه و باقری، ربابه. (۱۳۸۸)، «تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، دومین همایش جامعه ایمن تهران، تهران.
- کریمی، جلیل؛ احمدی، وکیل و حامد، بیتا. (۱۳۹۶)، «تهیدستان شهری (نگاهی تاریخی و جمعیت‌شناختی به حاشیه‌نشینی در کرمانشاه)»، مجله پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال ششم، شماره ۱۱: ۱-۲۶.
- کریمی، محمد شریف؛ دل‌انگیزان، سهراب و حشمتی دایاری، الهام. (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی رشد فقرزدا در استان کرمانشاه (در بخش‌های مختلف اقتصادی)»، اولین همایش توسعه بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، دانشگاه کردستان.
- کلاتری، صمد؛ ربانی، رسول و صداقت، کامران. (۱۳۸۴)، «رابطه فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، مجله رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۸: ۶۵-۹۰.
- محمدی، جمال و باقری‌کشکولی. (۱۳۹۳)، «تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری (مطالعه موردی: محله‌های شهر یزد)»، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، شماره ۱۱: ۱۰۳-۱۲۸.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ www.amar.org.ir
- نیازی، محسن؛ عشایری، طاها؛ سعادت، موسی، منتظری، حسن و عمرانی نژاد، فاطمه. (۱۳۹۶)، «تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر روستایی: مطالعه‌ای در باب روستاهای استان اردبیل»، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال ۸، شماره ۱: ۱۶۷-۱۸۸.

- Amato, Paul R. and Beattie, Brett. (2010). "Does the unemployment rate affect the divorce rate? An analysis of state data 1960-2005." *Journal of Social Science Research*, 40 (3), 705-715.
- Bradshaw, Ted K. (2006). "Theories of Poverty and Anti-Poverty Programs in Community Development." *Community Development*, 38(1), 7-25.
- Callan, Tim, Nolan, Brian, Whelan, Christopher T. (1993). "Resources, deprivation, and the measurement of poverty." *Journal of Social Policy*, 22, 141-172.
- Galbraith, John K. (1958). *The affluent society*. Boston: Houghton-Mifflin.
- Gans, Herbert L. (1992). "Political Participation and Apathy." *Phylon*. 13(2), 403-404.
- Grife, Corina, Gladfelter, Andrew S and Matthews, Stephen A. (2014). "Urban Poverty and Neighborhood Effects on Crime: Incorporating Spatial and Network Perspective." *Social Compass*. 8(9), 1140-1155.

- Lawless, Jennifer and Fox, Richard. (2001). "Political Participation of the Urban Poor." *Social Problems*. 48(3), 362-385.
- Maforah, Fidelia. (1994). "The Impact of Poverty on Health in Urbanising Communities." *Journal of social development in Africa*, 9 (2), 87-98.
- Mood, carina & Jonsson, jane O. (2016). "The Social Consequences of Poverty: An Empirical Test on Longitudinal Data." *Social Indicators Research*. 127, 633-652.
- Morán-Mariños, Cristion, Alarcon-Ruiz, Christoper A. and Alva-Diaz, Carlos. (2019). "Poverty and its influence on risk and family damage in a district of Lima, Peru: results by sector analysis and Primary Health Care." *Semergen*. 45(4), 225-231.
- Santana, Paula. (2002). "Poverty, social exclusion and health in Portugal." *Social Science & Medicine*. 55(1), 33-45.
- Shaw, Wendy. (1996). *The Geography of United States Poverty*. London: Routledge Publishing.
- Tobin, York J. (1994). Poverty in Relation to Macroeconomic Trends, Cycles, Policies. In Danzinder, Sheldon H. Sandefur, Gary, and Weinberg, Daniel H. (Eds), *Confronting Poverty: Prescriptions for Change*. Cambridge: Harvard University Press.
- Wilson, William J. & Neckerman Kathryn M. (1986). "Poverty and Family Structure: The Widening Gap Between Evidence and Public Policy Issues." In: Danzinder, Sheldon H. and Weinberg, Daniel H. *Fighting Poverty: What Works and What Doesn't*. Cambridge: Harvard University Press.